

بررسی جرم‌شناختی جرایم مرتبط با بیماری‌های واگیر

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۷

تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۹/۲۸

سید محمود میرخلیلی*

چکیده

بیماری‌های واگیر عموماً باعث خسارت‌های گسترده اجتماعی اعم از خسارات جسمی، جانی، مالی، اقتصادی و غیره می‌گردد. از یک سو پیدایش این بیماری‌ها ممکن است ناشی از رفتارهای مجرمانه بوده و اقدامات خرابکارانه بیولوژیک آنها را ایجاد کرده باشد؛ از سوی دیگر انتقال این بیماری‌ها که آسیب‌های جسمی، روانی و اقتصادی و اجتماعی را به دنبال دارد ممکن است به دلیل اقدامات عمدی یا ناشی از بی‌مبالاتی و تقصیر صورت پذیرد. از منظر جرم‌شناسی، هر دو بُعد نیاز به علت‌شناسی و ارائه راهکارهای پیشگیرانه اجتماعی، وضعی و در موارد ضروری، کیفری دارد. بُعد اول و دوم در صورتی که به صورت سازمان‌یافته و گسترده باشد از نگاه زمیولوژی یا جرم‌شناسی خسارت اجتماعی محور که به‌عنوان یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی دو دهه اخیر، بررسی می‌شود و در صورتی که به‌طور محدود و فردی صورت گیرد در جرم‌شناسی پیشگیرانه و حقوقی مورد تجزیه و تحلیل جرم‌شناختی قرار می‌گیرد. عوامل افزایش این جرایم در نوع اول عموماً زیاده‌خواهی، افزایش سود و کاهش هزینه‌های اقتصادی است که پیشگیری وضعی و تدابیر خاص سیاست کیفری مؤثرتر بوده و جرایم نوع دوم نوعاً ناشی از فقر فکری و فرهنگی، فقر مالی و بیکاری و ضعف راهبردهای بهداشتی است که مقابله با آنها راهبردهای اجتماعی و رفع موانع فکری، فرهنگی و اقتصادی طبقات محروم جامعه را می‌طلبد.

واژگان کلیدی: جرم، بیماری واگیر، زمیولوژی، جرم‌شناسی، مسئولیت مطلق کیفری.

۱۲۱

حقوق اسلامی / سال هفدهم / شماره ۶۷ / زمستان ۱۳۹۹

مقدمه

سازمان جهانی بهداشت، در آخرین گزارش‌های خود درصد بالایی از علل مرگ را در سطح جهان مستقیماً به بیماری‌های عفونی نسبت داده است. و متذکر شده است که این بیماری‌ها بر میزان مرگ ناشی از سایر بیماری‌ها نیز افزوده است و هر چند حدود ۲۶ درصد کل موارد مرگ ناشی ناشی از بیماری‌ها و آسیب‌ها را به خود اختصاص داده‌اند ولی به‌طور غیرمستقیم در وقوع مرگ‌های ناشی از سایر بیماری‌ها نیز دخالت دارند. این حاکی از ضرورت پیشگیری و مقابله با این بیماری‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مرگ انسان‌هاست که ممکن است خود در پدیدآوردن آن نقش داشته باشند.

گاهی ممکن است ضروری باشد رفتارهایی که به گسترش بیماری‌های واگیر منتهی می‌شود مورد جرم‌انگاری قرار گرفته و وصف مجرمانه بدان‌ها داده شود. در مواجهه با جرایم مرتبط به بیماری‌های واگیر با دو دسته بزهکاران روبه‌رو می‌شویم: دسته اول کسانی که صاحبان نفوذ و اقتدار اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره هستند و ساخت و انتشار ویروس یا ایجاد زمینه‌های گسترش آن در جامعه ممکن است از سوی آنان صورت پذیرد. مجرمانی که دارای شرکت‌های داروسازی یا تولید لوازم و تجهیزات بهداشتی و امثال آن بوده و نوعاً خود مباشرتاً در این جرایم شرکت نداشته و مسبب و آمر هستند. این دسته در اصطلاح گفته می‌شود در ارتکاب بزهکاری حضور نرم دارند و ضمن این که وقوع بزه قائم به آنهاست معمولاً ردی از خود برجای نمی‌گذارند. جرایم این گروه خسارت‌های گسترده جانی و مالی را به دوش جامعه می‌گذارد. خسارت‌هایی که از یک سو قابل شناسایی نیستند و از سوی دیگر قابل جبران نیستند. مقابله رایج با بزهکاری در قبال این جرایم نمی‌تواند تضمین‌کننده یک سیاست جنایی کارآمد و مؤثر بوده و قطعاً به شکست منتهی خواهد شد. در بعد سیاست کیفری واکنش‌های سخت و سنگین، حتمیت و قطعیت در اجرای کیفر، مسئولیت مطلق کیفری، تلقی نمودن سبب اقوی از مباشر به‌صورت تقنینی، بازداشت اجباری، خسارت محورکردن عنصر مادی و امثال آنها چنان که بحث خواهد شد می‌تواند مؤثر افتد.

دسته دوم توده‌های مردم هستند که ممکن است به‌دلیل سهل‌انگاری و تقصیر یا به‌عمد به اقداماتی دست بزنند که باعث گسترش بیماری‌های واگیر می‌شود. از نگاه جرم‌شناسی در مقابل این گروه، صرفاً تأکید بر واکنش کیفری، امری بسیار مذموم و ناپسند است. این گروه عمدتاً از

اقتضای کم درآمد، ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه هستند که به دلیل نیاز نمی‌توانند سبک زندگی خود را تغییر داده، حضور خود را در فعالیت‌های اجتماعی متفاوت سازند و در شرایط اشاعه ویروس واگیر به نحو متفاوتی عمل کنند. امروزه کلانتری‌ها، راهروهای دادگستری و زندان‌ها مملو از انسان‌هایی است که جزو دسته دوم بوده و با عناوین مجرمانه مختلف کیفر را تحمل می‌کنند. جرم‌انگاری رفتارهای متعددی که عموماً عمدی یا سهوی بوده و به‌عنوان بخشی از سبک زندگی افراد طبقات عام جامعه است، آیا می‌تواند کمکی به کاهش آمار بیماری‌های واگیر و خسارت‌های فردی و اجتماعی ناشی از آن بنماید؟ مقاله در صدد این است که اولاً هردو گروه را علت‌شناسی نماید و فلسفه و ضرورت جرم‌انگاری رفتار هرکدام را جداگانه بررسی نماید؛ ثانیاً در مقابله با هرکدام اولویت سیاست‌های غیرکیفری و کیفری را مورد بحث و بررسی قرار دهد.

متأسفانه در طرح دو فوریتی مجلس برای مجازات عدم پیشگیری از انتقال بیماری واگیر، عموماً به جرایم از نوع دسته دوم پرداخته شده درحالی‌که در این نوع باید بیشتر بر سیاست‌های غیرکیفری اتکاء نمود. مهم‌ترین مسئله تحقیق در این پژوهش اثبات ضرورت سیاست جنایی افتراقی در قبال این دو دسته از جرایم است که در جامعه ما به عکس افتراقی شده است.

۱. مفاهیم و مبانی جرم‌انگاری جرایم مرتبط با بیماری‌های واگیر

ابتدا ضرورت دارد برخی عناوین مورد استفاده در بحث مانند بیماری‌های واگیر، زمیولوژی، مسئولیت مطلق کیفری و امثال آن بررسی مفهوم شناختی صورت گیرد و سپس در ادامه به بحث از اصل ضرورت یا عدم ضرورت جرم‌انگاری و مبانی این نوع جرم‌انگاری بپردازیم.

۱-۱. مفاهیم

ابتدا ضرورت دارد مفهوم بیماری‌های واگیر، شاخه زمیولوژی در جرم‌شناسی که کاربرد زیادی در مقابله با این پدیده دارد، مفهوم مسئولیت مطلق کیفری که از مهم‌ترین ضرورت‌های واکنش در قبال این جرایم است را به‌عنوان مباحث تمهیدی به اجمال بررسی کنیم سپس وارد مباحث ماهوی شویم.

۱-۱-۱. مفهوم بیماری‌های واگیر

بیماری واگیر یا بیماری مسری، نوعی از بیماری‌های عفونی (Contagious Disease) است که عامل بیماری‌ها از طریق فیزیکی از بیمار به فرد سالم انتقال می‌یابد. اهمیت این دسته از بیماری‌ها در آن است که می‌توانند باعث همه‌گیری شوند و حتی از مرز قاره‌ها عبور کرده و تبدیل به همه‌گیری جهانی شوند. این بیماری‌ها گاهی به سرعت در بین تعداد زیادی از افراد شیوع پیدا کرده و باعث مرگ و میر بالایی افراد شده‌اند (فروغی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۵۴) ده‌ها بیماری مختلف واگیر در انواع مختلف وجود دارد که از آن جمله می‌توان بیماری‌های عفونی قارچی، بیماری‌های عفونی انگلی، بیماری‌های عفونی پرئون، بیماری‌های عفونی ویروسی، بیماری‌های عفونی میکروبی و امثال آنها را نام برد.

۱-۱-۲. مفهوم زمیولوژی

زمیولوژی مطالعه‌ی آسیب اجتماعی به جای جرم است و نامش را از واژه‌ی یونانی Zemia به معنای آسیب می‌گیرد. این دانش از انتقاد نسبت به جرم‌شناسی و مفهوم جرم ریشه می‌گیرد. در مقابل مفهوم «آسیب‌های فرد محور» مانند دزدی، مفهوم آسیب اجتماعی یا جراحت اجتماعی شامل آسیب‌هایی می‌شود که رویکرد «زمیولوژی» مفهوم آسیب حوزه‌ای فراتر از انحرافات را در برگرفته و شامل، خسارت‌ها، آسیب‌ها، ضررها و زیان‌هایی است که لزوماً مجرمانه نیست؛ بلکه ناشی از عملکرد کلان جامعه است ... (Hillyard, 2004, p.64).

هر روزه هزاران نفر بر اثر آلودگی‌های زیست محیطی و تخلفات گسترده دارویی و بهداشتی یا مشکلات موجود در حوز حمل و نقل و غیره دچار آسیب‌های جسمی، مالی یا جانی می‌شوند اما کسی به این مهم توجه نمی‌کند و مسببان این آسیب‌ها به‌عنوان مجرمان در محضر دادگاه حاضر نمی‌شوند. جرایم اشخاص حقوقی به‌لحاظ اجتماعی کمتر مضر تعریف می‌شوند و این ابهام وجود دارد که منجر به تخلف اخلاقی نمی‌شوند. زمیولوژی فراتر از مفهوم خود جرم می‌شود و باید تصدیق کرد که برخی رفتارهای قانونی به‌لحاظ اجتماعی مضر هستند. ولو غیر عمد. رویکرد زمیولوژی متمرکز بر ریشه‌های اجتماعی آسیب‌ها است و این رویکرد بر زمینه‌های گسترده‌تر اجتماعی و ساختاری که انحراف در آن رخ می‌دهد تأکید می‌کند و به این صورت جایگزین تأکید بر رویکرد فردی می‌شود. آسیب اجتماعی واقعیت وجودی بیشتری از جرایم را مقرر می‌کند و

زمینولوژی می‌تواند ابزار مفیدی برای آگاهی افکار عمومی، پاسخگویی (مسئولیت) و عدالت جهانی باشد. آسیب مفهومی است که شامل اعمال مجرمانه و غیرمجرمانه است؛ بنابراین ابزار بهتری برای بررسی مسائل پیچیده مانند مشکلات اجتماعی و زیست محیطی است که توسط دولت - نهادها و شرکت‌ها ایجاد می‌شود (Van Swaaningen, 1999, p.27).

زمینولوژیست‌ها بر این تأکید کردند که تعریف جرم بر اساس منافع طبقاتی و نژادی است و وقت آن رسیده به جای جرم از واژه خسارت اجتماعی استفاده کنیم. بیماری‌های واگیر از جمله این موارد هستند. بسیاری از این بیماری‌ها به دلیل تخلفات مسئولان یا سازمان‌های دولتی یا شرکت‌ها و مؤسسات خصوصی در جامعه گسترش می‌یابند.

۱-۱-۳. مفهوم مسئولیت مطلق کیفری

در کنار اصل قانونی بودن جرم و ضرورت تحقق عنصر مادی که بدون آن یک پدیده مجرمانه محقق نمی‌شود، در فقه و حقوق موضوعه همواره تقصیر و عنصر روانی نیز رکن اصلی مسئولیت کیفری بوده است (حلی، ۱۳۹۰ق.، ص ۹۳/نوربها، ۱۳۷۲، ص ۷۳/۱۹۹-۲۲۳، Husak, 1995, pp. 199-223). در حقوق کیفری جهت تحمیل مجازات بر مجرم، ضروری است که عنصر مادی و عنصر روانی فعل به‌طور همزمان وجود داشته باشند. با تحولات اساسی که در زندگی بشر صورت گرفته گونه‌های جدید و متفاوتی از جرایم پا به عرصه وجود گذاشته و شیوه‌های ارتکاب نیز تا حد زیادی متفاوت شده است. این تحولات در بعضی نظام‌های حقوقی موجب تغییرات اساسی در مبانی و مقررات شکلی و ماهوی حقوق کیفری شده است. ظهور انقلاب صنعتی در سده ی نوزدهم میلادی، گذشته از تحولات اقتصادی جوامع پیشرفته، تغییر یا اصلاح برخی نهادها و مفاهیم رایج کیفری را به همراه داشت. این سؤال مطرح بود که آیا در خصوص جرایم جدید ناشی از زندگی صنعتی و ماشینی باید هم چنان به مانند گذشته بر ضرورت احراز عنصر معنوی تأکید ورزید؟ آیا سیستم حقوق سنتی می‌تواند در جهت مقابله با انواع جرایم گسترده علیه محیط زیست، بهداشت عمومی و تمامیت جوامع بشری مؤثر باشد؟ (Simester, 2005, p.1).

پاسخ منفی به سؤال فوق موجب پذیرش مسئولیت مطلق کیفری در برخی نظام‌های حقوق کیفری شد، گونه‌ای از مسئولیت کیفری که در آن نیازی به اثبات عنصر تقصیر نمی‌باشد و صرف اثبات رابطه‌ی سببیت بین رفتار مجرمانه و نتیجه آن با مرتکب برای تحمیل مجازات کافی دانسته

شده است. این گونه از جرائم، جرائم مادی یا جرائم مبتنی بر مسئولیت مطلق کیفری اطلاق می‌شود. مهم‌ترین مزیت این نوع مسئولیت بالا بردن استانداردهای مراقبت و تسهیل در اثبات برخی از جرائم است. برای پیشگیری از ارتکاب بعضی رفتارهای خطرناک و حمایت از منافع عمومی، قانونگذار مقرراتی را وضع می‌کند که انجام آن عمل را به جهت مشکل بودن اثبات سوءنیت، صرف هزینه‌های زیاد، اطاله دادرسی و... به‌طور مطلق ممنوع می‌کند. این فرآیند که «مسئولیت مطلق یا مسئولیت کیفری بدون تقصیر» نامیده می‌شود، موجب کیفر مرتکب خواهد شد، اگرچه عنصر روانی لازم را نداشته باشد. از دیدگاه حقوق کیفری، صرف ارتکاب پدیده مجرمانه، به خودی خود، موجب مسئولیت کیفری نیست بلکه لازمه ایجاد مسئولیت کیفری و قابل سرزنش بودن مرتکب این است که نخست، عمل با میل و اراده آگاهانه ارتکاب یابد. دوم، عمل مرتکب توأم با سوء نیت یا خطای وی باشد. سوم، بین جرم ارتكابی و فاعل آن قابلیت انتساب و رابطه علیت وجود داشته باشد و چهارم اینکه، مجرم دارای عقل، بلوغ، اختیار و بعضاً آگاهی باشد که در صورت وجود این شرایط مسئولیت کیفری بر مجرم تحمیل می‌شود (جانی پور و عباسی، ۱۳۹۲، ص ۲۳).

امروزه حقوق دانان جرایم را به دو دسته تقسیم می‌کنند، جرایم واقعی یا ذاتاً بد^۱ و جرایم انضباطی یا خطرات ممنوعه^۲ جرایم واقعی به آن دسته از رفتارها اطلاق می‌شود که هرکس آن را از نظر ذاتی و اخلاقی قابل سرزنش می‌داند؛ مثل قتل، سرقت و جرایمی که در آن خشونت به کار می‌رود. جرایم قراردادی یا انضباطی که به آنها جرایم مربوط به رفاه عمومی نیز گفته می‌شود با هدف تنظیم برخی از فعالیت‌های مربوط به امور تجاری، فعالیت‌هایی که خطر بالقوه برای سلامت، بهداشت، امنیت و رفاه عمومی ایجاد می‌کنند و به‌طور کلی نسبت به فعالیت‌هایی که افراد جامعه در انجام یا عدم انجام آنها اختیار دارند، ایجاد می‌شوند (کلارکسون، ۱۳۷۴، ص ۱۲۲)، برای نمونه، می‌توان نظارت بر تولید و فروش غذا، سلامت و امنیت شغلی، آلودگی آب و هوا، مقررات راهنمایی و رانندگی و... را نام برد که در دسته دوم قرار می‌گیرند. به‌طور کلی، توجه به اغلب جرایم مسئولیت مطلق از قرن نوزدهم آغاز شد، این روند در قرن بیستم به دنبال انقلاب صنعتی، توسعه یافته و به حد بیشینه خود رسید چرا که با پیشرفت جامعه، مقررات پیچیده‌ای

1. Mala in se

2. Mala in prohibita

در مورد حمایت از مصرف کنندگان، کنترل غذا و داروهای ناسالم خطر ساز و نظیر آنها، یکی پس از دیگری ایجاد شدند. تا اواسط قرن نوزدهم محاکم همواره فرض می کردند که همه جرایم قانونی مستلزم سوء نیت هستند ولو آنکه قانون به صراحت پیش بینی نکرده باشد (Barker and Padfield, 2003, p.289).

تحقیقات نشان داده پیش بینی مسئولیت مطلق کیفری در جرایم حوزه بهداشت عمومی و زیست محیطی یک محرک قوی و بازدارنده بوده است (Alberini, 1997, p.23).

۱-۲. ضرورت یا عدم ضرورت جرم انگاری

جرم شناسی فقط به رفتارهای جرم انگاری شده توسط قانونگذار نمی پردازد بلکه به آسیب های اجتماعی و انحرافات نیز به دو دلیل می پردازد. دلیل اول این که بسیاری از این انحرافات و مجرمی ها ریشه همان جرایمی هستند که قانونگذار به عنوان جرم مد نظر دارد لذا به عنوان عوامل بزهکاری مورد مطالعه قرار می گیرد. دلیل دوم این است که جرم شناسی به جرم انگاری صورت گرفته توسط قانونگذار اطمینان ندارد لذا در مواردی آن را افراطی، غیر ضروری و موجب گسترش آمار جرم می داند و در مواردی نیز به قانونگذار در عدم جرم انگاری اعتراض می کند.

گاهی رفتار توده های مردم به گسترش بیماری های واگیر می انجامد که سیاست جنایی در مقابله با این رفتارها با استفاده از جرم انگاری و واکنش کیفری پاسخگو نیست. در کنار آن رفتارهای شرکت ها، مؤسسات، اشخاص حقوقی دولتی و خصوصی است که به نحو گسترده موجب گسترش این بیماری ها می گردد. برخورد با چنین رفتارهایی می تواند در در سیاست کیفری مورد توجه اساسی باشد. به طور کلی در رابطه با جرم انگاری رفتارهای مجرمانه ناشی از انتقال بیماری واگیر دو دیدگاه متفاوت وجود دارد: گروه نخست را مخالفان جرم انگاری تشکیل می دهند. این گروه فقط به دسته اول نظر دارند. عمده استدلال این گروه این است که جرم انگاری رفتارهای انتقال دهنده بیماری واگیر در عمل بدون فایده بوده و حتی در حاشیه قرار گرفتن مبتلایان به بیماری واگیر یا اجتناب این گروه از قبول انجام آزمایشات تشخیص بیماری را به دنبال خواهد داشت. علاوه بر آن بهتر است هزینه های مربوط به جرم انگاری، تعقیب و مجازات متهمین را صرف مقوله آموزش و پیشگیری نمود (Elliot, 1997, p.33).

در مقابل، موافقان جرم انگاری که آنها نیز بیشتر جرم انگاری دسته اول را توجیه می کنند، این

چنین استدلال می‌نمایند که جرم‌انگاری رفتارهای انتقال دهنده ایدز سبب می‌شود که مبتلایان به این بیماری نسبت به رفتارهای خود با احتیاط بیشتری عمل کرده و احیاناً با مسامحه و تقصیر خود موجبات به خطر انداختن حیات و سلامت دیگران را فراهم نمایند (ibid).

مجلس شورای ملی در تاریخ ۱۳۲۰/۳/۱۱ مصوبه‌ای را تحت عنوان «قانون طرز جلوگیری از بیماریهای آمیزشی و واگیردار» تصویب کرد که به موجب آن انتقال چنین بیماری‌هایی جرم‌انگاری شد. این قانون علی‌رغم گذشت زمان طولانی هنوز توسط قانون دیگری به طور صریح یا ضمنی منسوخ نگردیده است. ماده ۹ این قانون بیان می‌دارد: «هرکس بداند که مبتلا به بیماری آمیزشی و واگیر بوده یا آن که اوضاع و احوال شخصی او طوری باشد که بایستی حدس بزند که بیماری او واگیر است و به واسطه آمیزش او، طرف مقابل مبتلا شود و به مراجع قضایی شکایت کند مبتلاکننده به حبس تأدیبی از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود».

اشاره به واکنش برخی کشورها درخصوص این نوع بیماری‌ها جالب توجه است. در کانادا در سال ۱۹۱۹، پارلمان این کشور با تصویب ماده‌ای از قانون جزای کانادا، انتقال آگاهانه یا مبتنی بر تقصیر بیماری‌های آمیزشی را تحت عنوان اتهام اختصاری (یعنی اتهامی که نیاز به تقدیم کیفرخواست ندارد) قابل مجازات شناخت (ibid, p.4) پارلمان کانادا در سال ۱۹۸۵، به دو دلیل این بخش را نسخ نمود: اولاً انتقال بیماری‌های آمیزشی بیش از آن‌که مربوط به قانون جزا باشد، مربوط به مقررات خاص حفظ و رعایت بهداشت عمومی است. ثانیاً در طول بیش از نیم قرن از تصویب این قانون، تقریباً هیچ تعقیب کیفری بر اساس آن انجام نپذیرفته فلذا در عمل این قانون، قانونی متروک به‌شمار می‌آمده است (Canadian Bar Association, 1986, p.61).

اکنون انتقال بیماری‌های واگیر می‌تواند تحت عنوان کلی برخی جرم‌انگاری‌ها قرار گیرد برای مثال ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ مقرر داشته: «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا ... و مرتکبین چنان چه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد». با توجه به این که عناوین را از باب نمونه مقرر نموده شمول آن نسبت به انتقال عامدانه بیماری واگیر می‌تواند موضوع این ماده باشد. با این وجود واکنش‌های ذکر شده فقط مجرمان عادی و یقه آبی را مد نظر داشته و تروریسم زیستی که یکی از مهم‌ترین عناوینی تأثیرگذار بر جمعیت کلی و سلامت جامعه است و جرم‌انگاری و واکنش علیه آن در سطح ملی و بین‌المللی از

ضرورت اساسی برخوردار است، در این مواد مورد توجه نیست. طبعاً فاجعه ساخت و گسترش بیماری عفونی واگیر به سادگی امکان پذیر نیست و نیازمند طراحی برنامه ریزی در سطح کلان است.

۲. بررسی جرایم مربوط به بیماری‌های واگیر از منظر زیملوژی

درخصوص بیماری کوید نوزده که اخیراً در کشورهای مختلف از جمله کشور ما شایع شده شاهد مرگ هزاران انسان بودیم. صدها هزار نفر در بیمارستان‌ها بستری و دچار آسیب‌های جسمی شدید شدند که شاید تا آخر عمر با آنها ماندگار باشد، میلیون‌ها شغل به تعطیلی کشیده شدند و افرادی ورشکست شدند و ماجراهای دیگری که همه و همه هنوز هم ادامه دارد. همه این خسارت‌ها در نتیجه ظهور یک پدیده به نام کرونا یا کوید نوزده دانسته شده و کسی به این موضوع فکر نمی‌کند چه افرادی در بروز این خسارت‌ها نقش داشته و مقصر یا مجرمند. شاید مقررات کیفری کمتر عنوانی را داشته باشد که قابل تطبیق بر این رفتارها باشد. زیملوژی از پنجره خسارت به موضوع بزهکاری نگاه می‌کند. جرایمی که خسارت‌های گسترده اجتماعی را به جامعه و افرادش تحمیل می‌کنند دارای ویژگی‌هایی هستند که در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرد:

قبل از ظهور زیملوژی گراماتیکا معتقد بود که مجازات‌های قدیمی و متداول بایستی جای خود را به اقدامات "دفاع اجتماعی" یعنی اقدامات پیش‌گیری، تربیتی، اجتماعی و دفاعی واگذار نماید. منظور از دفاع اجتماعی تنها یک مبارزه بین فرد و جامعه نیست، بلکه هدف از اقدامات دفاع اجتماعی ایجاد یک همکاری واقعی بین فرد و جامعه می‌باشد (آنسل، ۱۳۷۵، ص ۱۵۰). شاید عده‌ای ادعا کنند که جنبه‌های تخفیف و ارباب مجازات‌ها مانع وقوع جرائم می‌گردد. اگر چنین امری صحت هم داشته باشد درست مثل آنست که گفته شود بهترین راه درمان امراض و جلوگیری از بیماری‌های واگیر کشتن و از بین بردن بیماران مبتلاست.

۲-۱. ویژگی‌های مرتکبان

جرایمی که در این حوزه از منظر زیملوژی خسارت‌ها را به بار می‌آورد معمولاً توسط اشخاصی است که دارای قدرت و نفوذ سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی هستند یا این که توسط نهادها، سازمان‌ها یا شرکت‌ها ارتکاب می‌یابد. دشواری برخورد با یقه‌سفیدان و سازمان‌ها از موضوعاتی

است که این شاخه از جرم‌شناسی به دنبال حل آن است. مقصر دانستن یک سازمان یا عوامل آن در این که آیا یک جرم یا عمل غیرجنایی مضر اتفاق افتاده است یا نه بسیار دشوار است. مسئله مقررات نیز می‌تواند به‌عنوان یک نگرانی پدید آید، با توجه به اینکه کنترل شرکت‌های قدرتمند در برابر سهولت نسبی کار سیستم عدالت کیفری در کنترل افراد بدون قدرت در نظام اجتماعی خود، بسیار مشکل است.

مسئولان در بالاترین سطوح به این خطرات یا ریسک آگاهند یا ضرورتاً باید آگاه باشند، آنها باید برای بی‌مبالاتی و عدم ممانعت از آسیب‌ها مجرم محسوب شوند. یکی از شگردهای این دسته از مجرمان استفاده از افراد سپر هست. مباشر جرم معمولاً افراد واسطه و دستیاران، کارکنان یا عوامل این‌ها هستند و مرتکبان اصلی غالباً در ورای آنان مخفی می‌شوند؛ لذا این نگرانی وجود دارد که با استفاده از افراد سپر شرکت و مسئولان اصلی حدوث پدیده مجرمانه با استفاده از قاعده سبب و مباشر از مسئولیت خود بگریزد و به رفتار کج روانه خود ادامه دهد ... (Beder, 2002, p54). این درحالی است که قاعده من له العثم فعليه العثم باید حاکم باشد. عوامل و حقوق بگیران زبردست منتفع اصلی این جرایم نیستند و تا مبارزه واقعی علیه مالکین اصلی و منتفعین اصلی تحقق نیابد نمی‌توان با جرم مبارزه واقعی نمود؛ برای مثال شرکت داروسازی که داروهای تقلبی تولید می‌کند و باعث مرگ و آسیب هزاران هزار انسان می‌شود نمی‌توان با مسئول دانستن یک تکنیسین یا داروساز مشکل شرکت را برطرف نمود. نمایندگی یک مفهوم مشکل ساز است و به نظر می‌رسد به‌عنوان یک رفتار کج روانه شرکت‌های بزرگ درک آن پیچیده و مبهم است. تخصیص مسئولیت به افراد مشکل است زیرا شرکت‌ها شخصیت حقوقی جداگانه‌ای دارند و رفتار کج روانه و انحرافی می‌تواند پشت حجاب شرکت پنهان شود. آسیب در جایی آشکار می‌شود که مسئولیت انکار شده است، خواه ادعا شود که از دستورات اطاعت شده یا دستورات نادیده گرفته شده است. برخی عوامل اظهار می‌دارند که در جایی که تجارت نیازمند رقابت است، در چارچوب «فرهنگ انکار» عمل می‌کنند و این ممکن است عدم مسئولیت را تشویق کند.

مدیران اجرایی باید پاسخگوی اعمال شرکت باشند. ابهام در پیرامون قصد در حقوق کیفری مشکل ساز است. متعاقب جرم شرکت با این ابهام متفاوت از جرایم عادی برخورد می‌شود. معمولاً مدیران با استفاده از ابهام در عنصر روانی از مسئولیت فرار می‌کنند. به علاوه با توجه به «قصد مجرمانه» قراردادن یک فرد در چارچوب مسئولیت کیفری شرکت از آنجایی که هیچ

خطاکاری که قصد آن ارتکاب جرم باشد وجود ندارد، دشوار است. فقدان قصد به این معنی است که در آسیب همانند جرم برخوردار نمی‌شود (Nelken, 1997, p.56).

مسئله غیرقابل مشاهده بودن در جرم شرکت بسیار مهم است، حتی اگر اعمال کج روانه تشخیص داده شود نمی‌تواند گزارش شوند و پیشگیری شوند یا تحت نظم درآیند که نتیجه یا عواقب آن منجر به مانعی برای بازداری مؤثر از جرایم شرکت است. تخلفاتی در پوشش جریان کاری سازمان وقوع می‌یابند و از آنجایی که کارکنان باید در آنجا حضور داشته باشند این نشان می‌دهد که این اعمال کمتر قابل مشاهده هستند؛ بنابراین جرایم شرکت‌ها همانند جرایم معمول یا عادی ظاهر نمی‌شوند، البته قطعاً این اتفاق می‌افتد چرا که مدیران اغلب آسیب‌های ناشی از رفتار شرکت را مخفی می‌کنند و پیشگیری از رفتار آنان با خنثی شدن راهبرد کیفری امکان پذیر نمی‌باشد.

۲-۲. ویژگی‌های بزه‌دیدگان

بزه‌دیدگان در این گونه جرایم بویژه قربانیان بیماری‌های واگیر توده‌های مردم بوده که اولاً گسترده‌اند و تعداد آنها بسیار زیاد است و ثانیاً امکان شناسایی آنان همیشه به راحتی وجود ندارد. بزه‌دیده، طبقه‌ای از طبقات جامعه بوده و در اثر ارتکاب جرم، بخش عظیمی از افراد متضرر می‌گردد که بار مسئولیت تعقیب را به سادگی به عهده نمی‌گیرند و گاهی نیز متضرر از وقوع جرم یقه‌سفید متوجه تضرر خویش نیز نمی‌شود تا در مقام تعقیب برآید که میدان برای ارتکاب به چنین جرائمی باز و بازتر می‌شود. کسانی که به دلیل شیوع بیماری‌های واگیر مانند کرونا جان، سلامتی یا اموال خود را از دست دادند قربانیان رفتارهای مجرمانه‌ای هستند که این ویژگی‌ها را دارند.

۲-۳. ویژگی‌های رفتار ارتكابی

بسیاری از نمونه‌های آسیب‌های مهم شامل سکوت‌ها، انکارها، دروغ‌ها و لاپوشانی‌هایی است که توسط حکومت‌ها انجام می‌شود. رویکرد «زمین‌لرزه‌ای» مفهوم آسیب حوزه‌ای فراتر از انحرافات را در بر گرفته و شامل خسارت‌ها، آسیب‌ها، ضررها و زیان‌هایی است که لزوماً مجرمانه نیست؛ بلکه ناشی از عملکرد کلان جامعه است. جرایم شرکت‌ها به لحاظ اجتماعی کمتر مضر تعریف می‌شوند و این ابهام وجود دارد که منجر به تخلف اخلاقی نمی‌شوند. زمین‌لرزه‌ای فراتر از مفهوم خود جرم می‌شود و باید تصدیق کرد که برخی رفتارهای قانونی به لحاظ اجتماعی مضر هستند. ولو

غیر عمد

رویکرد زمیولوژی متمرکز بر ریشه‌های اجتماعی آسیب‌ها است و این رویکرد بر زمینه‌های گسترده‌تر اجتماعی و ساختاری که انحراف در آن رخ می‌دهد تأکید می‌کند و به این صورت جایگزین تأکید بر رویکرد فردی می‌شود.

آسیب اجتماعی واقعیت وجودی بیشتری از جرایم را مقرر می‌کند و زمیولوژی می‌تواند ابزار مفیدی برای آگاهی افکار عمومی، پاسخگویی (مسئولیت) و عدالت جهانی باشد. آسیب مفهومی است که شامل اعمال مجرمانه و غیرمجرمانه است و بنابراین ابزار بهتری برای بررسی مسائل پیچیده مانند مشکلات اجتماعی و زیست محیطی است. رویکرد آسیب‌شناسی خرد موجب می‌شود رد پای ساختارها در آسیب‌های اجتماعی پنهان شود. در بسیاری از مسائل و موضوعات کلان اجتماعی به مسائل فردی و خرد تقلیل داده می‌شود. مثلاً در مصرف آب به افراد گفته می‌شود: «در مصرف آب صرفه جویی کنید»؛ در حالی که کم‌آبی یک مسئله مدیریتی است و تنها ۱۰ درصد مصرف آب خانگی است و ۹۰ درصد دیگر مصارف غیرخانگی دارد.

رویکرد آسیب اجتماعی‌شناختی در مقابل آسیب‌شناسی فردی یا پاثولوژی است: محصول جامعه‌شناسی آسیب‌شناختی چیزی جز موعظه و پند و اندرز اخلاقی و اندرزنامه‌ها به شیوه‌های مدرن نیست و چیز دیگری از آن به دست نمی‌آید. زمیولوژی به دنبال تغییر ساختار است. توسعه مفهوم جرم به رفتارهای موجب خسارت گسترده اجتماعی، توسعه دامنه جرم‌شناسی و حقوق جزا را ایجاد می‌کند تا طیف گسترده‌ای از آسیب‌های اجتماعی، سوء استفاده از حقوق بشر، آلودگی زیست محیطی، فقر، نقض حریم بهداشت و امنیت پوشش دهد. شایع نمودن بیماری واگیر دار نیز به لحاظ گستردگی خسارات و بزه‌دیدگان و غیرقابل جبران بودن نتایج حاصله از جرم تحت این عنوان قابل بررسی است.

۲-۴. ویژگی‌های آسیب‌وارده

آسیب‌ها در این رفتارها از یک سو بسیار گسترده و وسیع هستند و از سوی دیگر به همین دلیل غیرقابل جبران بوده و گاهی حتی توسط دولت‌ها نمی‌توانند جبران شوند. علاوه بر رفتارهایی که سرمنشأ پیدایش این بیماری‌ها هستند انتقال آنها از سوی هر فرد می‌تواند ده‌ها یا صدها یا هزاران نفر را مبتلا نماید. فساد دارویی و مافیای دارو می‌تواند این آسیب‌ها را تشدید نمایند؛ برای مثال

دارویی در کشور تولید شد که در مرحله آزمایش بود اما به بازار توزیع شد. این درحالی است که این موضوع برخلاف قانون است اما لابی باند فساد و دارو، این کار را عملی کرد. درنهایت آزمایش‌ها نشان داد که این دارو موجب مرگ افراد می‌شود. مراجع مرتبط اعلام کردند که باید این دارو از بازار جمع شود اما شرکت تولیدکننده اعلام کرد که به دلیل کمبود داروی سراسری این شرکت در بازار، اقدام به جمع‌آوری دارو نخواهد کرد. این موضوع فساد مالی نیست بلکه یک فساد جانی است (https://www.tabnak.ir/fa/news/916300%).

ناتوانی حقوق کیفری سنتی در مقابله با این جرایم موضوعی است که مورد آسیب‌شناسی در زیملولوژی قرار گرفته و راهبردهای کیفری و غیرکیفری ارائه می‌گردد. در همین رابطه، قائم مقام مدیرعامل سازمان مردم‌نهاد دیده‌بان شفافیت می‌گوید: «در سال ۶۸ و در اوج مصرف دارو در کشور، سرانه مصرف ۶/۱۳ دلار بوده که در سال ۹۳ این رقم به ۶۴ دلار رسیده، یعنی حرکت مافیای دارو به سمت داروهای برند بوده است درحالی‌که در خیلی از کشورهای جهان تجویز داروی برند جرم است. برخی برای منافعشان کمبود تصنعی دارو در کشور ایجاد می‌کنند. صنعت غذا و دارو از ابتدای انقلاب تاکنون حداکثر در دست ۵۰ نفر است! برخی به‌طور مداوم بین بخش خصوصی و دولتی در چرخش هستند که با تعارض منافی که ایجاد می‌شود، در تصمیم‌گیری‌هایشان منافع بخش خصوصی را در نظر می‌گیرند (همان).

۳. مسئولیت مطلق کیفری در جرایم مربوط به بیماری‌های واگیر

قانونگذار ایران در مواردی همچون مقررات مربوط به قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۶/۰۴/۲۲ یا ماده ۱۷ و ۲۱ لایحه قانونی مطبوعات [۶] مصوب ۱۳۵۸/۰۵/۳۱ مسئولیت بی‌تقصیر (مسئولیت مطلق کیفری) را پذیرفته است. البته مقرر گردیده، مسئولیت مدیر مسئول یا کارفرما در صورت تخلف اشخاص زیردست مانند کارگر و کارمند ثابت است زیرا فرض بر این است که مدیر مسئول از تکلیف خود مبنی بر نظارت و مراقبت غفلت کرده است (اردبیلی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۷۱). ولی با کمی تأمل می‌توان فهمید که در این قوانین و قوانین مشابه، مسئول حق اثبات نظارت و مراقبت خود بر فاعل را نداشته و قانونگذار به‌طور ناخودآگاه «مسئولیت مطلق» ایجاد نموده است، به طوری که ماده ۱۷ لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۵۸ برای مدیر مسئول «مسئولیت مطلق مضیق» ایجاد کرده است. از این رهگذر گمان می‌رود که

مجازات به فردی بی تقصیر اعمال می‌شود.

جنگ بیولوژیکی یا جنگ زیستی به معنی استفاده از عوامل بیولوژیکی، اعم از باکتری‌ها، ویروس‌ها، قارچ‌ها و فراورده‌های آنها به منظور اهداف خصمانه برای کشتن یا ناتوان کردن انسان‌ها، جانوران یا گیاهان است. جنگ‌های زیستی و جنگ‌های شیمیایی تا حدی همپوشانی دارند و استفاده این چنینی از سموم در کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیک و کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی مطرح شده است. سموم و سلاح‌های روان شیمیایی اغلب به‌عنوان عوامل مرسوم در نظر گرفته می‌شوند. استفاده از سلاح‌های بیولوژیک تحت قوانین بین‌المللی و همچنین انواع معاهدات بین‌المللی بشردوستانه ممنوع است و استفاده از آنها در درگیری‌های مسلحانه، یک جرم جنگی محسوب می‌شود. شکل‌های قدیمی سلاح‌های بیولوژیک از زمان‌های بسیار قدیم مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند (Greek and others, 2003, p.348).

در این دسته از جرایم که توسط دولت‌ها و اشخاص حقوقی دولتی یا غیردولتی و اشخاص دارای نفوذ سیاسی اجتماعی ارتکاب می‌یابد اگر قضات ملزم به اثبات عنصر روانی برای این گونه جرایم باشند، راه فرار زیادی برای اشخاص حقیقی و حقوقی باز خواهد شد که به وسیله آن از مسئولیت بگریزند. پیش‌بینی مسئولیت مطلق کیفری این راه‌ها را مسدود می‌کند و انگیزه‌ای برای اعمال تدابیر پیشگیرانه خواهد بود و در نتیجه اشتباه‌های منجر به حوادث به حداقل ممکن خواهد رسید و سیاست کیفری را در بازدارندگی تقویت خواهد کرد.

۴. پیشگیری وضعی از جرایم مربوط به بیماری‌های واگیر

یکی از شیوه‌های پیشگیری از جرم پیش‌گیری وضعی است که با تغییر وضعیت فرد یا شرایط محیط بیرونی مانند مکان و زمان در صدد است از ارتکاب جرم توسط افراد جلوگیری کند. در تعریف دیگری آمده است: «پیشگیری وضعی یا موقعیت مدار با تسلط بر محیط و شرایط پیرامون جرم (وضعیت مشرف بر جرم) در صدد آن است از طریق کاهش جذابیت آماج و جاذبه زدایی از آن وضعیت پیش‌جنایی، آمار جرایم را مهار کند.» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۶، ص ۱۴). پیشگیری وضعی با تعریف‌هایی که از آن به عمل آمده شامل تدابیری است که به دنبال سلب امکان تحقق فعل مجرمانه یا دست‌کم دشوار نمودن آن هستند مانند سخت‌کردن دسترسی به آماج‌ها یا محافظت از بزه‌دیدگان بالقوه. این تدابیر علاوه بر این که ارتکاب جرم را دشوار و گاهی ناممکن

می‌سازد به دلیل سخت شدن دسترسی به آماج‌ها یا بزه‌دیده، بالارفتن هزینه ارتکاب جرم و کاهش منافع حاصله از آن موجب کاهش وسوسه‌ها انگیزه‌های دست زدن به عمل مجرمانه خواهد شد.

وزارت بهداشت و درمان می‌تواند با نظارت و مراقبت از مرحله آموزش و تحصیلات پزشکان تا زمان شروع به کار آنان و مراحل پس از آن امور سلامت و بهداشت جامعه را کنترل نموده و از جرایم علیه بهداشت عمومی جلوگیری نماید. در «قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷ اقدامات مختلفی مانند ایجاد مؤسسات پزشکی غیرمجاز توسط افراد فاقد صلاحیت، خودداری بیمارستان‌ها از پذیرش بیمار و ارائه خدمات اولیه به بیماران اورژانس، ایجاد یا ارائه خدمات مزاد بر نیاز، دریافت نرخ مزاد، به کارگیری نیروهای غیرمتخصص یا متخصصان فاقد مجوز، فروش داروهای غیرمجاز و امثال آنها مورد جرم‌انگاری واقع شده است. مجازات‌های پیش‌بینی شده از تذکر شفاهی، اخطار کتبی، جزای نقدی تا تعطیلی داروخانه یا محل طبابت را در بر می‌گیرد. بسیاری از این کنترل و اعمال مجازات‌های پیش‌بینی شده مانند جمع‌آوری کالاهای غیرمجاز یا تعطیلی و الزام به حضور مامور فنی در کلیه مراحل تولید کالا و امثال آن دقیقاً در راستای پیشگیری وضعی است؛ برای مثال در «قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی ایران» مصوب ۱۳۶۹ از جمله وظایف این سازمان را عبارت از: تلاش در جهت حسن اجرای موازین و مقررات و قوانین مربوط به امور پزشکی و همکاری در جهت رسیدگی به تخلفات غیرصنعتی و جرایم شاغلین به حرفه پزشکی ذکر نموده که نوعی مشارکت در امر پیشگیری است.

در بسیاری از کشورها ممانعت از جرایم اطفال و نوجوانان در اختیار قانونی وزارت بهداشت و رفاه اجتماعی، وزارت آموزش و پرورش، پلیس و دستگاه اداری عدالت است. دامنه فعالیت‌های آنها سیار وسیع است و معطوف به کلیه جوانانی است که در ممانعت از عدم تطابق، به دلایل گوناگون به خطر افتاده‌اند، یا خانواده‌هایی که در شرایطی زندگی می‌کنند که فرزندانشان را در معرض جرم قرار می‌دهد. در لهستان طبق ماده ۱۰۹ قانون خانواده و قیمومت این کشور، هرگاه رفاه کودک تهدید شود، دادگاه تصمیم مناسبی اتخاذ می‌کند. دادگاه، به خصوص، ممکن است والدین را راهنمایی کند تا به نحو خاصی رفتار نمایند، اقتدار والدین را تبدیل به نظارت کند، یا صغیر را به مؤسسه‌ای مناسب یا به خانه دیگری که کودک را به فرزندپذیری بفرستد (بواندیا، ۱۳۸۰، ص ۲۶۹).

روسی‌گری موجب افزایش تعداد بیماران مقاربتی، کم‌شدن آمار ازدواج و رشد نرخ طلاق،

افزایش سقط جنین‌های غیرقانونی و تولد کودکان خیابانی می‌شود. همچنین این کجروی در کنار اعتیاد تزریقی یکی از مهمترین دلایل انتقال ویروس HIV و ابتلا به بیماری ایدز است. از طرفی دیگر روسپی‌گری تعداد کودکان فاقد شناسنامه را افزایش می‌دهد و به دنبال آن این کودکان به دلیل قرار گرفتن در بسترهای ناسالم خانوادگی و موقعیت‌های جرم‌زا به مشکلات روحی و روانی بسیاری دچار می‌شوند و به سرعت به سمت بزهکاری کشیده می‌شوند. در سیاست جنایی اسلام مبارزه با فحشاء و زمینه‌های آن مورد تأکید فراوان بوده به نحوی که سیاست کیفری بسیار شدیدی را در مقابله با این‌گونه جرایم اتخاذ نموده است. به علاوه سیاست‌های پیشگیرانه متعدد غیرکیفری نیز در جهت جلوگیری از این معضلات به کار رفته شده که می‌توان به تسهیل ازدواج، ازدواج موقت، جرم‌انگاری مقدمات این‌گونه جرایم و امثال آن اشاره نمود. برخی محرومیت‌هایی که در قوانین جزایی فرانسه مانند ماده ۲۵۴ قانون بهداشت عمومی پیش‌بینی شده مانند هدایت خارجیان به مرز و اخراج آنان از کشور، درمان اجباری بیماری‌های مقاربتی از این نوع می‌باشد.

۵. واکنش کیفری در قبال جرایم مربوط به بیماری‌های واگیر

امنیت زیستی به‌عنوان مجموعه‌ای از اقدامات پیشگیرانه برای کاهش خطر انتقال بیماری‌های عفونی توسط گونه‌های مهاجم محسوب می‌شود. تهدیدات امنیت زیستی به این معنی است که خطرات در مقیاس کوچک به سرعت بالا می‌رود بنابراین برای آنکه یک سیاست مؤثر قابلیت اجرایی داشته باشد باید با پشتوانه‌های قانونی موجود بتوان آن را اجرا کرد وگرنه تبدیل به یک چالش می‌شود زیرا در هر جامعه‌ای با محدودیت‌هایی در زمان و منابع برای کاهش تهدیدها و وقوع آنها مواجه هستیم و باید مجموعه‌ای از تدابیر اتخاذ شود که خطر انتقال بیماری‌های عفونی توسط گونه‌های مهاجم کاهش یابد. در حال حاضر مشاهده می‌شود کشورهای گوناگون در اقصی نقاط دنیا با وجود تدابیر و زیرساخت‌های درمانی، اقتصادی و فرهنگی متفاوت اما همگی مانند ایران در وضعیت بحران ناشی از شیوع بیماری ویروسی کرونا قرار دارند بنابراین بشریت فارغ از مرزهای جغرافیایی و تفاوت‌های شیوه حکومتداری و توان متفاوت در زیرساخت‌های اقتصادی و درمانی، همگی با بحران بیولوژیک در ابعاد جهانی مواجه شده‌اند که عوامل تشدید بحران می‌بایست مورد مدیریت جدی قرار گیرد.

قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار مصوب ۱۱ خرداد ماه ۱۳۲۰،

با توجه به این که مورد نسخ صریح یا ضمنی در قوانین آتی واقع نشده و همچنین هیچ قانونی با موضوع مشابه نیز جایگزین آن نشده است بنابراین قابل اجرا و معتبر است؛ البته به نظر می‌رسد با توجه به مطرح شدن امراض جدید از زمان تصویب این قانون تاکنون، به نظر می‌رسد قانون مزبور باید به روزرسانی شود و تمهیدات لازم برای مدیریت قانونی حوزه بهداشت در ساختار اجتماع مدنظر قرار گیرد؛ به خصوص با توجه به اختصاص فصل دوم این قانون به بیماری‌های واگیر و احصای موارد بیماری واگیر در ماده ۱۶ و ۱۹ و اصلاح ماده ۱۹ در سال ۱۳۴۷ با افزودن برخی مصادیق جدید، معلوم می‌شود قانون مذکور به بیماری‌های احصا شده اختصاص دارد و این قانون برای شمول مواردی مانند کرونا نیاز به بازنگری جدید و جدی دارد و در وضعیت فعلی موضوع کرونا را شامل نمی‌شود. می‌توان گفت با توجه به وجود عنوان کلی بیماری‌های واگیر در این قانون، قانون یاد شده در شرایط فعلی قابلیت اجرا داشته و شامل هرگونه مورد جدید نیز می‌شود؛ لیکن ضرورت تفسیر مضیق قوانین کیفری مانع از چنین تعمیمی بوده و لازم است قانونگذار با توجه به شرایط جدید قانون را اصلاح نماید.

ماده ۲۲ این قانون بیان کرده است:

اشخاصی که مانع اجرای مقررات بهداشتی می‌شوند یا در اثر غفلت باعث انتشار یکی از بیماری‌های واگیر می‌شوند به حبس تأدیبی و پرداخت جزای نقدی محکوم می‌شوند.

همچنین در ماده ۱۲ این قانون تصریح شده است:

هر گاه بهداری به وجود کسی که مبتلا به بیماری واگیر است اطلاع یافت می‌تواند به وسائل مقتضی بازجویی کند که بیمار مشغول درمان می‌باشد یا نه و در صورت لزوم اخطار کند تا اگر بیمار در ظرف مهلت مقرر به درمان نپردازد او را الزام به درمان نماید.

با عنایت به قوانین استنادی، به‌ویژه مواد ذکر شده از قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های واگیردار مصوب ۱۳۲۰ و مواد ۲۹۱ و ۴۹۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ اگر اشخاصی با غفلت خویش موجب ورود ویروس کرونا شده یا اینکه با علم به ابتلای فرد یا شهری در پیشگیری و جلوگیری از شیوع آن با وجود داشتن وظیفه قانونی کوتاهی و غفلت کرده‌اند یا شخصی با وجود علم و اطلاع به ابتلای ویروس کرونا به علت غفلت در پیشگیری آن موجب تلف جان و مال مردم بشوند، علاوه بر مسئولیت کیفری شخصی که عامل بیماری کشنده بوده، سایر اشخاص مذکور نیز به‌عنوان مسئولین حفظ سلامت بهداشت افراد و جامعه مستوجب تعقیب کیفری و جبران خسارات

وارد به مبتلایان ویروس کرونا هستند. البته مجازات مندرج در ماده ۲۲ قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های واگیردار مصوب ۱۳۲۰ با توجه به وسعت زیانبار بودن ویروس کرونا در جامعه امروزه، متناسب نیست.

در نهایت رکن اصلی تحقق مسئولیت، صحت انتساب و استناد است که احراز آن در کلیه جرائم، اعم از عمدی و غیرعمدی و همراه با قصور یا تقصیر، لازم و ضروری است و بیماری‌های واگیر نیز از این امر مستثنا نیست، هر چند انتقال ویروس با اسباب ناپیدا صورت می‌گیرد، اما مانند اسباب ظاهری دارای آثار و نتایجی است که در صورت احراز رابطه استناد بین این نتایج و اسباب ناپیدا، در مسئولیت انتقال دهنده در فرض اجتماع شرایط نمی‌توان تردید کرد. نکته قابل توجه، دشواری احراز این رابطه به علت ناپیدا بودن اسباب است، ضمن اینکه ویژگی‌های نوعی دیگر بیماری‌های واگیر از جمله فاصله زمانی بین فعل و نتیجه مجرمانه و امکان حدوث وقایع طبیعی یا غیرطبیعی قاطع رابطه استناد، ممکن است باعث دشواری در چندان احراز این رابطه شود.

ضرورت دارد بین واکنش به جرایم یقه‌سفیدی و جرایم توده‌های مردم در واکنش کیفری تفاوت اساسی و مبنایی قائل شویم. افتراقی شدن سیاست کیفری از بزرگ‌ترین ضرورت‌های مبارزه با رفتارهای منجر به بیماری واگیر است. آنچه متأسفانه در تدوین طرح‌ها و لوایح برای آن ضرورتی احساس نمی‌شود؛ برای مثال به موجب ماده ۱ طرح مجازات عدم پیشگیری از انتقال بیماری واگیر، هرکس با وجود مشاهده علائم بیماری واگیر در خود با علم و اطلاع از مراجعه به پزشک جهت تشخیص و درمان خودداری کند به جزای نقدی درجه ۸ و یکی از مجازات‌های جایگزین حبس درجه ۸ محکوم می‌شود.

ماده ۵ این طرح مقرر داشته در صورتی که عدم رعایت نظامات به شرح مذکور در مواد ۱ تا ۳ منتهی به مرگ یا بیماری فرد دیگری در اثر انتقال بیماری واگیر شود، مرتکب حسب مورد علاوه بر قصاص یا دیه، در موارد مذکور در مواد ۱ و ۲ به حبس تعزیری درجه ۶ و در مورد مذکور در ماده ۳ به حبس تعزیری درجه ۵ محکوم می‌شود.

به موجب تبصره ۱ این ماده در صورتی که عدم رعایت نظامات به شرح مذکور در مواد ۱ تا ۳ منتهی به مرگ یا بیماری ۳ نفر یا بیشتر در اثر انتقال بیماری واگیر شود، مجازات مرتکب، حسب مورد یک درجه تشدید می‌شود.

شدیدترین برخوردی که در این طرح در قبال مسئولین و سازمان‌های دولتی دیده می‌شود ماده

۱۲ است. در این ماده مقرر گردیده در صورتی که سهل‌انگاری مراجع مشمول در این قانون، منجر به اشاعه بیماری‌های واگیر شوند، علاوه بر شخص خاطی، مقام مسئول وی نیز به جزای نقدی درجه ۴ و انفصال موقت از خدمات دولتی از یک تا پنج سال محکوم می‌شود. سیاست جنایی افتراقی اقتضا دارد در این موارد ضمن پذیرش مسئولیت مطلق کیفری، واکنش‌های سخت و شدید پیش بینی شود.

۶. پیشگیری اجتماعی

اگرچه پیشگیری اجتماعی به لحاظ اهمیت و رتبه نسبت به پیشگیری وضعی و کیفری اولویت دارد لیکن با توجه به این که این روش نسبت به عموم مجرمان مد نظر بوده لذا پس از اتمام بحث مجرمان یقه‌سفید و راهبردهای مربوط به آنها در انتها مورد بررسی قرار می‌گیرد. پیشگیری اجتماعی مقابله با ریشه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جرم را در یک فرایند هدف قرار می‌دهد. انحراف در انسان یک باره ایجاد نمی‌شود، بلکه طی فرایندی و گام به گام به وجود می‌آید. خداوند در قرآن کریم ارتکاب گناه را پیروی از گام‌های شیطان نامیده است: «وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ: از گام‌های شیطان پیروی نکنید» (بقره: ۱۶۸).

ایجاد روح همبستگی و تعاون در جامعه موجب می‌شود فرد نسبت به سرنوشت خود و دیگران اهتمام ورزد و سلامتی خود و دیگران را به مخاطره نیندازد:

وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ:
و [همواره] در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید و [هرگز] در راه گناه و تعدی همکاری
نمایید! و از [مخالفت فرمان] خدا بپرهیزید که مجازات خدا شدید است (مائده: ۲).

یکی از دلایل بی‌توجهی افراد جامعه بویژه طبقات محروم به مقررات مربوط به پیشگیری از بیماری‌های واگیر عبارت از محرومیت‌های اقتصادی است. این امر از یک سو موجب می‌شود نیاز اقتصادی آنان را ملزم به حضور در جامعه و تعامل با دیگران نماید آن هم بدون استفاده از ماسک و تجهیزات لازم که ریشه اقتصادی دارد و از سوی دیگر روحیه جامعه‌ستیزی، عناد و لجاجت با جامعه را در آنان شعله ور می‌کند. رفع نیاز اقتصادی نیازمندان وظیفه‌ای حکومتی و مردمی است. به دیگر بیان، اقدام هیچ‌یک از حکومت و مردم از دیگری سلب مسئولیت نمی‌کند. قرآن کریم در تشریح این مسئولیت و تبیین رابطه عدم انفاق و عدم رفع نیازمندان با فحشا می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ...: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از قسمت‌های پاکیزه اموالی که [از طریق تجارت] به دست آورده‌اید و از آنچه از زمین برای شما خارج ساخته‌ایم [از منابع و معادن و درختان و گیاهان]، انفاق کنید! و برای انفاق، به سراغ قسمت‌های ناپاک نروید درحالی که خود شما، [به‌هنگام پذیرش اموال] حاضر نیستید آنها را بپذیرید مگر از روی اغماض و کراهت! و بدانید خداوند، بی‌نیاز و شایسته ستایش است (بقره: ۲۶۷).

در این آیه مخاطب جمیع مؤمنان هستند؛ لذا ترویج فرهنگ انفاق روحیه فرهنگ برادری در جامعه را تقویت و از شکاف طبقاتی از بعد اقتصادی و فرهنگی جلوگیری می‌کند. این امر باعث می‌شود همدلی و یکپارچگی فرهنگی در جامعه فزونی یابد و روحیه جامعه‌ستیزی کمتر شود.

نقش رسانه در افزایش بزهکاری یا کاهش آن نیز دارای اهمیت است. وسائل ارتباط جمعی قادرند با کارکردهای منفی و تخطی از اخلاق رسانه‌ای، سلامت فکری و اخلاقی آحاد جامعه را تهدید کنند و الگوهای نابهنجار رفتاری را در جامعه تثبیت نمایند و از سوی دیگر می‌توانند با توجه به کارایی و توان رسانه‌ها، نرخ وقوع انحرافات اجتماعی را کاهش دهند. علاوه بر کارکرد مثبت رسانه‌ها، کارکردهای منفی آن به چشم می‌خورد که از اهمیت خاصی برخوردار است. امروزه رسانه‌های جمعی یکی از پیچیده‌ترین عناصر قابل طرح در انحرافات اجتماعی هستند. ساده‌انگاری و تسامح نسبت به بیماری واگیر یا به عکس اهتمام جدی نسبت بدان، به عملکرد رسانه‌ها بستگی دارد. رسانه‌ها می‌توانند با تعمیق ارزش‌ها و ایجاد همگونی فرهنگی، آموزش قانون و قانونمداری و ایجاد آگاهی و بینش نسبت به واقعیت‌ها و خطرات بیماری از بروز رفتارهای مجرمانه توسعه دهنده آنها پیشگیری نمایند. ژان ژاک روسو:

بی‌شک بایستی جوانانی که به واسطه جهالت راه خود را نمی‌دانند طوری تربیت شوند که دست‌کم به ضرر خود کاری انجام ندهن اما حرف اینجاست که این جوانان چیزی نیاموخته‌اند و بدون پشتیبان وارد اجتماع می‌شوند و معلوم است سربازی که بدون اسلحه باشد در میدان جنگ کشته خواهد شد (روسو، [بی‌تا]، ص ۳۵۰).

به عکس رسانه‌ها می‌توانند در گسترش بزهکاری نقش مؤثری داشته باشند. آموزش بزهکاری، ایجاد تزلزل در نظام خانواده، اشاعه فحشا و بی‌بندوباری و تساهل، ایجاد امواج جرم (ترس از جرم)، عادی سازی هنجارشکنی (حساسیت‌زدایی از جامعه)، ایجاد رویاهای دست‌نیافتنی،

گسترش روحیه جامعه‌ستیزی و عناد در جامعه و امثال آنها نمونه‌هایی از تأثیرگذاری رسانه بر توسعه بزهکاری در جامعه است؛ بنابراین توسل به ابزار کیفری بدون توجه به عوامل و ریشه‌های بزهکاری در بین توده‌های مردم نه تنها آمار بزهکاری را کاهش نخواهد داد بلکه به دلیل ایجاد روحیه جامعه‌ستیزی و لجاجت هر روزه بر گستره بزهکاری خواهد افزود.

نتیجه و پیشنهاد

ما دو دسته جرایم مؤثر بر گسترش بیماری‌های واگیر در جامعه داریم. دسته اول رفتارها و اقدامات مافیایی شرکت‌ها نهادها سازمان‌ها و اشخاص دارای نفوذ و قدرت سیاسی اجتماعی و اقتصادی است که آسیب‌های گسترده و وسیع را برای توده‌های افراد جامعه به دنبال دارد و جرم دانستن یا کشف و تحقیق و تعقیب و رسیدگی به این رفتارها و محکوم کردن مرتکبان آنها با چالش‌های جدی مواجه است. دستگاه عدالت کیفری سنتی به دلیل ضعف‌هایی که دارد ناتوان از مقابله کیفری با این دسته از مجرمان است. پیشنهاد می‌شود اولاً مبنای جرم‌انگاری همانند شبه جرم در حقوق خصوصی خسارت باشد زیرا این مجرمان همیشه دست برتر را داشته و از خلأهای قانونی برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند. این یک تحول بزرگ در حقوق کیفری خواهد بود ولی ضرورت دارد و شدنی است. مقاومت در برابر آن جدی خواهد بود زیرا خواهند گفت اصل قانونی بودن جرم و مجازات زیر سؤال می‌رود و نقض می‌شود. ثانیاً مسئولیت مطلق کیفری در جرایم پیش بینی شده در نظر گرفته شود زیرا اثبات عنصر روانی این افراد کار دشواری است و معمولاً افرادی را به عنوان سپر مورد استفاده قرار می‌دهند و از مسئولیت می‌گریزند. ثالثاً بر اساس آنچه که تحت عنوان سیاست کیفری افتراقی در گفتار پنجم مورد بحث قرار گرفت، مجازات‌های پیش بینی شده برای این افراد باید بر خلاف جرایم خرد از سوی توده‌های مردم، بسیار سختگیرانه و شدید باشد و به مجازات جزای نقدی اکتفا نشود و حبس‌های طولانی مدت غیرقابل تخفیف و تعلیق برایشان در نظر گرفته شود. بعلاوه در فرایند دادرسی بازداشت الزامی، دادرسی تخصصی، سهل‌گیری اثبات با گزارش‌های ماموران و افراد مورد اعتماد، سرعت فوق‌العاده در دادرسی و امثال آن باید مد نظر قرار گیرد و اجرایی شود.

دسته دوم به رفتارهایی مربوط می‌شود که به عموم افراد جامعه منتسب است و سبک زندگی آنان باعث گسترش و شیوع بیماری واگیر همچون کروناویروس می‌شود. در اینجا استفاده از ابزار

کیفر بسیار کند و ناکارآمد است. وقتی کارگر باید روز کار کند تا بتواند نیازهای اقتصادی خانواده اش را تامین کند و حاکمیت بدون هیچ کمک اقتصادی تنها به ایجاد قرنطینه و جرم‌انگاری خروج از منزل اکتفا کند طبعاً او و بخش اعظم جامعه که شرایط مشابهی دارند با یک روحیه جامعه ستیزانه از منزل خارج شده و قانون را زیر پا می‌گذارند. شدیدتر از کیفر، ترس از ابتلا به بیماری واگیر است که همه این افراد دارند ولی نیاز اساسی و ضرورتی که در زندگی آنان وجود دارد موجب عدم پذیرش هنجار حقوقی می‌شود. آنچه در طرح مجازات عدم پیشگیری از انتقال بیماری واگیر مورد جرم‌انگاری قرار گرفته همه و همه رفتارهای گروه دوم یعنی توده‌های مردم است. درحالی‌که این سیاست معکوس راه به جایی نمی‌برد و درمورد این دسته ما باید با استفاده از سیاست‌های غیرکیفری اجتماعی و وضعی نسبت از بین بردن عوامل و زمینه‌ها و فرصت‌های موجب این رفتارها اقدام کنیم.

منابع

۱. آنسل، مارک؛ دفاع اجتماعی؛ ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
۲. اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی؛ ج ۲، ج ۱۶، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶.
۳. بواندیا، هرناندو گومز؛ جرایم شهری؛ ترجمه فاطمه گیوه‌چیان؛ تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۰.
۴. جانی پور، مجتبی و عباسی، مراد، بررسی مسئولیت مطلق از منظر حقوق کیفری و فقه امامیه با تأکید بر مسئولیت پزشک، مجله مطالعات حقوقی معاصر، دوره ۴، شماره ۶، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صص ۲۳ تا ۵۳.
۵. حلی، جمال‌الدین ابو منصور حسن بن یوسف بن علی بن مطهر، مبادی الوصول الی علم الاصول، مطبعة الاداب، نجف اشرف، ۱۳۹۰ ق.
۶. روسو، ژان ژاک؛ دانش آموزش و پرورش؛ ترجمه ع. سبحانی؛ تهران: مؤسسه مطبوعاتی فرخ، [بی‌تا].
۷. صفاری، علی؛ «مبانی نظری پیشگیری وضعی از جرم»، مجله تحقیقات حقوقی؛ ش ۳۳-۳۴، پاییز ۱۳۸۰، صص ۲۶۷-۲۸۷.

۸. فروغی، فضل‌الله، محمد میرزایی، امیر باقرزادگان و محمد صوفی زمره؛ «نحوه احراز مسئولیت کیفری در بیماری‌های واگیردار و جرایم قابل انتساب»، فصلنامه حقوق پزشکی؛ ش ۳۵، زمستان ۱۳۹۴، ص ۱۲۵-۱۵۶.
۹. کلارکسون، کریستوفر؛ تحلیل مبانی حقوق جزا؛ ترجمه حسین میرمحمدصادقی؛ تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی (واحد شهیدبهرشتی)، ۱۳۷۴.
۱۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ «روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری»، مجله تحقیقات حقوقی؛ دوره ۱، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۷۶، ص ۶۰۵-۶۲۸.
۱۱. نوربها، رضا؛ زمینه حقوق جزای عمومی؛ ج ۷، تهران: نشر دادآفرین، ۱۳۸۲.
12. Canadian Bar Association Ontario. Report of the Committee to Study the Legal Implications of AIDS. Toronto: The Association, 1986.
13. Elliott R ,Criminal Law, Public Health and HIV Transmission, Montreal: Canadian HIV/AIDS Legal Network & Canadian AIDS Society, 1997.
14. -Hillyard, P. (with C. Pantazis, S. Tombs and D. Gordon) "Taking Harm Seriously", the journal Beyond Criminology, London: Pluto Press. 2004.
15. Mayor, Adrienne, Greek Fire, Poison Arrows & Scorpion Bombs: Biological and Chemical Warfare in the Ancient World. Woodstock, N. Y.: Overlook Duckworth. 2003.
16. Merriam-Webster dictionary definition of contagious disease. Accessed Nov. ۲۷, ۲۰۰۹.
17. -van Swaaningen, R. "Reclaiming critical criminology: social justice and the European tradition". ' The Journal Theoretical Criminology, 3,1. 1999.
18. Verdun, Jones and Simon Nicholas, Criminal Law in Canada, Harcourt Brace Jovanovich Canada Inc, Toronto, 1989.